

لزام چشم

در سیاست‌های اکران سینمایی



امیرحسین علم‌الهدی

کارشناس سینما

● آیین‌نامه اکران سینمایی سال آینده چگونه باید باشد و شورای تدوین آیین‌نامه چگونه باید رفتار
۳۰سال گذشته اکران سینماهای کشور را آسیب‌شناسی کند تا بتواند قدمی هرچند کوچک به جلو بردارد؛ به نظر می‌رسد این مهم‌ترین سوال پیش‌روی کارگروه تدوین ضوابط و مقررات شورای صنفی نمایش در سال ۹۳ باشد اما مهم‌ترین سوال پیش‌روی سیاستگذاران دولتی و صنفی قبل از تدوین آیین‌نامه پیش‌رو، ضرورت توجه به فقدان کارایی شورای صنفی نمایش طی یک‌دهه گذشته است و به‌نظر می‌رسد تا زمانی که سیاست‌های اکران سینمایی به حوزه عرضه و تقاضا نزدیک نشود امکان جهش در این حوزه متصور نیست. تولیدکنندگان سینما با طرح این دلیل که در صورت اجرای‌شدن سیاست عرضه و تقاضا در تعداد مخاطبان سینماها، با تولیدکنندگان بیش از سدها نمایش فیلم‌های سینمایی، تولیدکنندگان نیز باید امکان ساخت فیلم‌هایی متناسب با شرایط بازار را داشته باشند، سال‌هاست که سد محکمی در برابر جهش مخاطب در سینماها درست کرده‌اند و دولت‌ها نیز برای اینکه تولیدات کمی و نه کیفی سرنوشت مدیریت‌شان را تعیین می‌کند و نه تعداد مخاطبان سینماها، با تولیدکنندگان بیش از سدها است که هم‌آوا شده‌اند و ضلع اصلی سینما را (مخاطب) که سینما بدون آن معنا ندارد به پایین‌ترین میزان استقبال از سینماها رسانده‌اند! کاهش ۵۰هلیلیونمخاطب تنها طی ۲۰سال (از اوایل سال ۷۰ که حدود ۷۵میلیوننفر سینما رفت‌اند به مخاطب ۷۵میلیوننفری در سال ۹۲ رسیده‌ام) نشان‌دهنده ترک‌نازی تولیدکنندگانی سستیم که رمز ماندگاری‌شان را در «انحصار» می‌دانند و حاضر به تعطیلی سینماها هستند. «زدیک به ۲۰۰ سینما طی ۳۰سال گذشته تعطیل شده است» اما نمی‌خواهند این نکته را بپذیرند که «حوزه توزیع و نمایش سینمایی» حوزه «خدمات» است و «حوزه تولید فیلم» به هیچ‌عنوان ارتباط مستقیمی با این حوزه خدماتی ندارد! برای اینکه منظورم را بیشتر توضیح دهم توجه خوانندگان این یادداشت را به این مثال جلب می‌کنم:

بیش از یک‌دهه است که انواع و اقسام فروشگاه‌های بزرگ مواد غذایی و پوشاک و لوازم خانه در سراسر کشور از قبیل شهروند، رفاه، هایپر استار و… در حال رشد هستند و انواع و اقسام محصولات ایرانی و خارجی را با قیمتهایی متفاوت و متنوع به مشتریان عرضه می‌کنند و این رشد نشان‌دهنده حاکمیت اصولی بازار عرضه و تقاضا در این بخش است، حال متصور شویم برای اینکه تولید داخلی را حمایت کنیم به تمام این فروشگاه‌های بزرگ اعلام کنند شما فقط باید تولید داخلی به فروش برسانید؛ به نظر تان این فروشگاه‌ها امکان حیات دارند؟ طبیعی است که عدم حق انتخاب توسط مالکان فروشگاه به نسبت تنوع محصولات برای فروش، به مرور فروشگاه‌های بزرگ را با بحران مشتری مواجه می‌کند و دولت در این بخش برای حفظ تولید داخلی اقدام به برقراری نظام مالیاتی واردات کرده است و این بازار به حیات طبیعی خود ادامه می‌دهد. سینماها نیز در این مقیاس حکم همین فروشگاه‌ها را دارند و چاره‌ای نیست سرنوشت سینماها را از سرنوشت تولیدات سینمایی جدا کنیم و بگذاریم با وضع قوانین مالیاتی فیلم خارجی (البته الان سینماها به نان شیشان محتاج هستند مالیات که دیگر هیچ) نزدیک و… ۴۰درصد از فضای نمایش سینما را اختیار رقبایی قرار گیرد که این‌ بدنه تنبل و لوس تولیدکنندگان داخلی را (البته نه همه آنان) تکالیی بدهد تا بتوانیم سلاطین مختلف مردم را با مضامینی که سینماگران ایرانی تا اطلاع ثانوی امکان تولید آن را ندارند (تیمش، ترسناک، کودک و نوجوان، حادثه‌ای، فانتزی و…) به سینماها جلب کنیم.

شورای صنفی نمایش، شورایی به‌شدت وابسته به افکار تولیدکنندگان سینماست و این شورا قرار بود به مرور زمان وظایف حاکمیتی را به بازار عرضه و تقاضا واگذار کند اما این شورا تبدیل شده است به مهم‌ترین شورایی حال حاضر سینما که نبض تولیدکنندگان غیرکیفی همچنان به ادامه حیات این شورا وابسته است! فیلم‌های خوب و مخاطب عام داخلی در هر شرایطی امکان رقابت با فیلم‌های خارجی را دارند و تجربه نشان داده است که مخاطب ایرانی همچنان علایقش در دیدن فیلم‌های ایرانی خوب است اما نه به اجبار و تهدید و انحصار بلکه با احترام به حق طبیعی انتخاب مردم که همیشه نشان داده‌اند که اگر احترام آنان حفظ شود آنها نیز احترام سینما را حفظ می‌کنند و سال‌هاست که بی‌احترامی تولیدات غیرکیفی به مردم، سینماها را با بحران مخاطب مردمی مواجه کرده است… و بازنده این بحران سال‌های سینمایی هستند که روزبه‌روز مخاطبشان کاهش می‌یابد…

یادداشت روز

رونمایی از کتاب «ایوبی» در نشر ثالث

● شرق: کتاب «۱۹۷۰ روز در شماره شش ژان بارت» رونمایی می‌شود. مراسم رونمایی از کتاب «۱۹۷۰ روز در شماره شش ژان بارت» نوشته دکتر حجت‌الله ایوبی با حضور چهره‌های مطرح فرهنگی و هنری، روز پنجشنبه ۱۲آذر از ساعت ۱۷ در نشر ثالث واقع در خیابان کریمخان‌زنده، بین ایرانشهر و ماهشهر، پلاک ۱۲۸، فروشگاه نشر ثالث برگزار می‌شود.

سحر آزاد: اصغر فرهادی، یک‌بار دیگر به سوزه مورد علاقه رسانه‌ها و مطبوعات جهان تبدیل شده است. کارگردان ایرانی برنده «اسکار» در حالی با فیلم «گذشته» نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی رقابت‌های گلدن گلوب شده که در روزهای اخیر شماری از روزنامه‌های جهان از جمله لس‌آنجلس تایمز و گاردین با او به مصاحبه نشستند یا دربار‌هاش نوشته‌اند. همچنین شبکه سی‌بی‌اس آمریکا گفت‌وویی با او انجام داده که در نوع خود حاوی نکات جالبی دربراره نگاه این فیلمساز به سانسور، دریافت جایزه اسکار و مواجهه غربی‌ها با مسایل داخلی ایران است. «جیان قمیشی»، خبرنگار سی‌بی‌اس که به فارسی هم تسلط دارد این گفت‌وگو را در حضور یک مترجم انجام می‌دهد؛ در حالی که به گفته این خبرنگار، فرهادی با وجود تسلط به انگلیسی همیشه ترجیح می‌دهد در خارج از ایران از طریق مترجم با رسانه‌ها به گفت‌وگو بنشینند. فرهادی در ابتدا، به شوخی خطاب به مخاطبان سی‌بی‌اس می‌گوید: «امیدوارم صحبت‌هایم درباره «گذشته» باعث شود مخاطبان چیز زیادی از فیلم نفهمند تا ب روند و آن را تماشا کنند». فرهادی در ادامه به ماجرای سفرش به کشور فرانسه اشاره می‌کند. به گفته او پیش از نوشتن فیلمنامه، اطرافیان در این‌باره ابراز نگرانی کرده بودند. فرهادی هم به‌همین دلیل به‌همراه خانوادهاش برای دوسال به فرانسه سفر می‌کند تا بتواند این نگرانی‌ها را برطرف کند. این کارگردان سپس این موضوع را مطرح کرد که هرچند در ابتدای این سفر به‌دنبال تفاوت‌های مردم ایران و فرانسه بوده اما در نهایت داستان فیلم را برپایه شباهت‌های فرهنگی دو ملت نوشته است. او همچنین درباره استقبال جهانی از فیلم قبلی خود «جدایی» اضافه می‌کند: «موقع ساخت فیلم، به‌دلیل اینکه فیلم شامل دیالوگ‌های زبان فارسی است فکر می‌کردم مخاطب آن ایرانیان باشند اما وقتی یکی از مسئولان جشنواره برلین همراه با یک مترجم برای تماشای فیلم به ایران آمد، به او گفتم که زیرنویسی برای فیلم آماده نشده چون تصور نمی‌کنم برای جشنواره شما مناسب باشد، اما او گفت که فیلم بسیار خوبی است و آن را می‌خواهم. همانجا متوجه شدم شباهت‌ها به دل تماشاکر می‌نشیند.» مصاحبه‌کننده در ادامه سوال‌هایی درباره وجوه مشترک موضوع‌هایی مانند عشق و خانواده، نقش او برای ایجاد ارتباط نزدیک میان اعضای یک خانواده از سوی بازیگران و وجه‌مشترک «چهارشنبه‌سوری»، «جدایی» و «درباره الی» می‌پرسد.

مصاحبه‌کننده در ادامه از مشکلات فیلمسازی در ایران می‌پرسد: «وقتی که ۴۰سال روی یک مسیر تعیین‌شده فیلمنامه، اطرافیان در این‌باره ابراز نگرانی کرده بودند. فرهادی هم به‌همین دلیل به‌همراه خانوادهاش برای دوسال به فرانسه سفر می‌کند تا بتواند این نگرانی‌ها را برطرف کند. این کارگردان سپس این موضوع را مطرح کرد که هرچند در ابتدای این سفر به‌دنبال تفاوت‌های مردم ایران و فرانسه بوده اما در نهایت داستان فیلم را برپایه شباهت‌های فرهنگی دو ملت نوشته است. او همچنین درباره استقبال جهانی از فیلم قبلی خود «جدایی» اضافه می‌کند: «موقع ساخت فیلم، به‌دلیل اینکه فیلم شامل دیالوگ‌های زبان فارسی است فکر می‌کردم مخاطب آن ایرانیان باشند اما وقتی یکی از مسئولان جشنواره برلین همراه با یک مترجم برای تماشای فیلم به ایران آمد، به او گفتم که زیرنویسی برای فیلم آماده نشده چون تصور نمی‌کنم برای جشنواره شما مناسب باشد، اما او گفت که فیلم بسیار خوبی است و آن را می‌خواهم. همانجا متوجه شدم شباهت‌ها به دل تماشاکر می‌نشیند.» مصاحبه‌کننده در ادامه سوال‌هایی درباره وجوه مشترک موضوع‌هایی مانند عشق و خانواده، نقش او برای ایجاد ارتباط نزدیک میان اعضای یک خانواده از سوی بازیگران و وجه‌مشترک «چهارشنبه‌سوری»، «جدایی» و «درباره الی» می‌پرسد.

نامزدهای جشنواره «سینما حقیقت» اعلام شدند

شرق: نامزدهای دریافت جایزه از هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی «فیلم مستند ایران-سینماحقیقت» اعلام شدند. در بخش بهترین صابرداری و صداگذاری، آرش قاسمی برای «خون‌مردگی»، صادق رضاییا برای «در پناه بلوط»، و مرتضی غیور برای «الطاف بوق بزئید» و اسماعیل علیراده و فراد نوری برای «خون‌مردگی»، صادق رضاییا برای «در پناه بلوط» و مصومه شافناظری برای «الطاف بوق بزئید» در رشته تدوین نامزد شده‌اند. فرشاد افشین‌پور برای «برندگان در سرزمین برف و آفتاب»، مهدی نورمحمدی برای «در پناه بلوط» و برف و آفتاب، مهدی نورمحمدی برای «در پناه بلوط» و مهدی آزادی برای «لبیک» به عنوان بهترین تصویربرداران نامزد شده‌اند. امیرحسین خلیل‌زاده و امین موسوی برای «پولیس پولیس» آزاده یار گیتی برای «سپیده‌دمی که بوی لیمو می‌داد»، مصطفی رزاق کریمی برای «خاطراتی برای تمام فصول» و شهروز توکل برای «همد نبودی» نامزدهای بهترین مستند انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اعلام شده‌اند. «از ایران، یک جدایی» اثر آزاده موسوی و گروه عطلی، «خون‌مردگی» کاری از محمد کارت، «کمی بالاتر» اثر لقمان خالدی نیز نامزدهای بهترین مستند اجتماعی، سیدغلامرضا نعمت‌پور با اثر «برای گونگادین بهشت نیست»، علی محمدقاسمی برای

«پیتر اوتول» در نقش پایانی زندگی‌اش

محمد صادقی

«پیتر اوتول» در لندن چشم از جهان فروبست و جزیره بریتانیا را در سوگ خاطره اورنس عربستان فروبرد. پیتر اوتول (Peter O’Toole) متولد دوم آگوست ۱۹۳۲ بازیگر برجسته هالیوود که هشتبار نامزد دریافت جایزه اسکار شده بود و سهبار توانست بود جایزه گلدن گلوب را به دست آورد، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۳ در بیمارستان ولینگتون لندن و در ۸۱سالگی چشم از جهان فروبست. به گزارش سی‌بی‌اس و دیگر رسانه‌ها، خبر درگذشت این هنرمند ایرلندی-انگلیسی بسیاری از شخصیت‌های هومطن وی را متأثر کرده، «مایکل هیکینز»، رئیس‌جمهور ایرلند در پیامی به ستایش از اوتول پرداخته و ابراز داشته: «ایرلند یکی از بزرگان عرصه سینما و تئاتر را از دست داد. پیتر اوتول دوستی خوب برای من بود که از سال ۱۹۶۹ با او آشنا بودم، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس نیز با اظهار تاف از مرگ اوتول، با تقدیر از وی گفته که «اورنس عربستان» فیلم مورد علاقه اوست و بازی اوتول در این فیلم، در خشان است. اوتول که شهرت جهانی خود را مدیون بازی چشمگیرش در فیلم لورنس عربستان بود (فیلمی که هفت جایزه اسکار به‌ویژه بهترین کارگردانی را برای دیوید لین فیلمساز شهیر انگلیسی به ارمان آورد) پس از خدمت در نیروی دریایی و تحصیل

اصغر فرهادی در گفت‌وگو با شبکه «سی‌بی‌اس» آمریکا:

امیدوارم ایرانی‌های موفق در میهن دور هم جمع شوند



عکس Bob Chamberlin

خصوصا از این نظر که رسانه‌های ایران آن زمان از این سخنان تعبیر به انتقاد از آمریکا کرده بودند؟» فرهادی بدون پاسخ مستقیم به سوال از این موضوع صحبت می‌کند که اصلا تا آن زمان نمی‌دانسته که جایزه را می‌گیرد یا نه. در این بخش شبکه سی‌بی‌اس بخشی از سخنرانی فرهادی پخش می‌شود آنجا که به انگلیسی می‌گوید: «امنونم از آکادمی و از سونی پیکچرز. از دوستان خوبم مایکل بارکر و برنارو سالام به مردم خوب سرزمینم، الان ایرانی‌های زیادی در سرتاسر دنیا نشست‌اند و ما را نگاه می‌کنند و می‌توانم شادیشان را تصور کنم. آنها فقط به خاطر یک جایزه مهم یا یک فیلم یا یک فیلمساز خوشحال نیستند بلکه به این خاطر که در روزگاری که میان سیاستمداران صحبت از جنگ، تهدید و ارباب ردوبدل می‌شود نام کشورشان، ایران، در اینجا به خاطر فرهنگ بزرگش بر سر زبان‌هاست. شکوه، غنا و قدمت فرهنگی که زیر غبار سیاست پنهان شده است. من این جایزه را با افتخار به هموطنانم تقدیم می‌کنم. مردمی که به تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها احترام می‌گذارند و از خصومت و کینه‌پورزی بیزارند. از همه خیلی متشکرم». فرهادی بعد از پخش سخنرانی کوتاهش در مراسم اسکار در پاسخ به پرسش مصاحبه‌کننده ادامه می‌دهد: «در روزهای قبل از مراسم اسکار چه در ایران و

چه در خارج از ایران با نگاه به چشمان مردم می‌فهمیدم که عمیقا خواهان جایزه گرفتن من هستند. من البته متن سخنرانی را در هتل نشستم و نوشتم و در لحظه نوشتن می‌خواستم تصویری را در ذهن‌ها ایجاد کنم.» سوال‌کننده قصد دارد که بداند آیا فشاری از طرف مقامات ایرانی یا حتی اعضای خانواده و دیگر همکاران فیلمسازش به او بوده و آیا به او پیشنهاد داده بودند مطلب خاصی را هنگام سخنرانی کوتاهش در مراسم اسکار بر زبان راند که او در جواب سوال‌کننده می‌گوید: «نه، واقعا هیچ فشاری نه از طرف مقامات دولتی ایران و نه از طرف دوستان بر من نبود، بلکه چند نفر از دوستان پیشنهاد کردند مطالبی را به زبان فارسی بگویم.» سوال‌کننده در ادامه به تصاویر کلیشه‌ای که در ذهن غربیان از مردم ایران هست، اشاره می‌کند. او فیلم آرگو غربیان را مثال می‌زند که حرجی از طرف خود غربی‌ها به خاطر نوع نگاه به ایران با انتقادهایی مواجه شد. دست آخر از فرهادی می‌پرسد: «چقدر خودتان را سفیر فرهنگی ایران می‌دانید؟» او پاسخ می‌دهد: «من خودم را سفیر فرهنگی ایران نمی‌دانم، چون این واژه سنگینی است که مسوولیت زیادی برای من ایجاد می‌کند. اما خودم را در شرایطی می‌بینم که می‌توانم کاری انجام بدهم، من صدای دارم برای صحبت با مردمی که می‌خواهند گوش کنند. وقتی دارم درباره «آرگو» صحبت می‌کنم، می‌دانم اگر چیزی بگویم به گوش افرادی که منتظرند چیزی از من بشنوند می‌رسد. این وضعیتی است که من از آن استفاده می‌کنم و نمی‌گذارم راحت بگذرد.» سوال‌کننده در بخشی از مصاحبه به این مساله اشاره می‌کند که فرهادی با وجود خوب انگلیسی حرف‌زدن، همچنان گفت‌وگوهایش را با رسانه‌ها از طریق مترجم انجام می‌دهد. خبرنگار این شبکه، از نوع رویکرد تحت‌عنوان «حساسیت برای انتقال مفاهیم» یاد می‌کند که کارگردان «گذشته» جواب می‌دهد: «برخی وقت‌ها خراج از ایران برخی از من انتظار دارند یا را فراتر از محدودیت‌ها بگذارم اما این چیزی است که من نمی‌توانم انجام دهم. با این‌س حال به خاطر رابطه احساسی عمیقم با مردم فراتر از محدودیت‌ها می‌روم. هر قدر این رابطه قوی‌تر شود بیشتر از آن لذت می‌برم.» فرهادی در بخش پایانی این مصاحبه چنین امیدوارانه صحبت‌هایش را به پایان می‌برد: «همیشه خیلی خوشحالم می‌شوم که روزی ایرانی‌های موفق دوباره در میهن دورهم جمع شوند. اتفاق بزرگی در این حالت می‌تواند بیفتد»

خبر ویژه

مصطفی آل احمد، عضو هیات داوران بخش مسابقه ملی مطرح کرد

بودجه ناکافی برای ساخت مستند



سطح برسد و ما که برای دوری فیلم‌ها گرد هم آمده بودیم شاهد فیلم‌هایی بودیم که متأسفانه از عدم تحقیق و توانمندی در ساختار و اندیشه رنج می‌کشید، اما خوشبختانه به همت فیلمسازان مستقل، آگاه و دلسوز، امسال شاهد آثار درخشان هم خواهید بود؛ آثاری که هر یک نقطه عطفی در سینما مستند ایران خواهد بود.

❧ **فکر می‌کنید این ضعف در ساختار و تحقیق که در برخی آثار شاهد بودید از کجا ناشی می‌شود؟**

نقش سازمان‌هایی که باید از فیلمسازی مستند حمایت کنند کم نیست، عدم بودجه کافی برای ساخت فیلم‌های مستند و نگاه برخی مدیران که مستندسازی را کاری پیش پا افتاده تلقی می‌کنند، باعث شده تا مستندسازان با محدودیت‌های اجرایی روبه‌رو شوند.

اما به تحقیق، جریان کلی آموزش و فرهنگ حتی در سطح دانشگاهی در جامعه بسیار ضعیف است، بسیاری از فیلمسازان جوان می‌انگارند با اولین سوزهای که پیدا می‌کنند، می‌توان دست‌به‌دوربین شد و وقت بسیار کمی برای پژوهش بر روی موضوع و جست‌وجو برای به دست‌آوردن ساختار نو و متناسب با مضمون صرف می‌کنند. فیلمسازی کاری سهل و آسان به نظرشان می‌آید و به نظر می‌رسد کمتر وقت برای مطالعه و پرورش خلاقیت‌ها صرف شده است. این در حالی است که فیلمساز مستند کسی نیست که صرفا سوزهای را کشف و ضبط کند. فیلمساز مستند باید علاوه‌بر آشنایی با سینمای روز جهان و تکنیک‌های کار حداقل به مبانی علوم انسانی آگاهی داشته باشد.

هنر

چهره روز

در گذشت بازیگر فیلم «ربه‌کا»

خانم «دووینتر» اینجا کاری داشتید؟

فرانک آرتا



● فقط کافی است همرس دوم و جوان آقای دووینتر با بازی سرلارنس اولیویه را در فیلم «ربه‌کا» به یاد بیاورید. پرستاری کم‌سن و سال و ساده دل با مرد متمول و صاحب قصر مشهور ماندلری در فرصت کوتاهی در هتلی آشنا می‌شوند و خیلی سریع با هم ازدواج می‌کنند و با هم به این قصر پرزمروز می‌روند. این دختر ساده که عاشق آقای دووینتر شده، کسی نیست جز جون فونتين، خواهر کوچکتر اولیویا دو هاولیوند، بازیگر نقش ملای هامیلتون فیلم «بربادرفته» که خبر فوت او روز گذشته اعلام شد. این بازیگر با چهره‌ای معصوم و رمانتیک با بازی در فیلم «ربه‌کا» همیشه در خاطره‌ها ماند. لحظه برخورد او با ندیمه رموز ربه‌کا با بازی جودیت اندرسون به‌یادماندنی است. او در قصری زندگی می‌کرد که در سایه نام ربه‌کا اعتمادبه‌نفسش را به کلی از دست داده، اما با تمام قوا به‌دنبال کنجکاوای کودکانه‌اش به اتاق ربه‌کا می‌رود. کوتاهای این سبک، صدایی به گوش می‌رسد «خانم دووینتر اینجا کاری داشتید؟» یک خورند همراه با ترس فونتين هنگام شنیدن صدای خنم دانورس دلهره مورد نظر کارگردان فیلم را ایجاد کرد. در ادامه این زن رموز به او نزدیک می‌شود و با خونسردی او را تحریک می‌کند تا دووینتر جوان خود را از پنجره اتاق ربه‌کا به پایین پرتاب کند؛ تریکیبی از معصومیت و نفرت که یکی از صحنه‌های به‌یادماندنی تاریخ سینماست. او خواهر بزرگش اولیویادو هاولیوند هر دو بازیگران عصر طلایی بودند. این هنرپیشه بریتانیایی در اولین فیلم آمریکایی خود با عنوان «ربه‌کا» در سال ۱۹۴۰بازی کرد. دو نفر از قدرتمندان سینما، آلفرد هیچکاک، کارگردان انگلیسی و دیوید او. سلزنيک، تهیه‌کننده افسله‌ای هالیوود سازندگان این فیلم بودند. در عصر طلایی که همیشه بازیگران ستاره، حرف اول را می‌زدند، آلفرد هیچکاک از معدود کارگردانیی بود که خودش ستاره بود و هر یک از ستاره‌های فیلم‌هایش زیر سایه او بودند. جون فونتين در این فیلم نامزد جایزه اسکار شد و سال بعد دوباره در فیلمی از آلفرد هیچکاک با نام «سوز ظن» بازی کرد که به خاطر آن برنده اسکار شد. این بازیگر مدت‌ها از صحنه سینما دور بود تا اینکه در ۹۶سالگی در گذشت.